

میگوهای گمیشان:

قصه شور و شیرین سواحل خزر



۲

ظالم و مظلوم
در مثنوی شریف



۳

ادبیات
کودک و نوجوان



۴

کاشمیر

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

چهارشنبه ۱۵ اسفند ماه ۱۴۰۳ / سال بیست و ششم / شماره ۲۹۴۳ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰ تومان

یادداشت اول

دکتر

محمد مصدق

با مسوولیت سردبیر

چهاردهم اسفند ماه سالروز درگذشت نخست وزیر دولت ملی ایران دکتر محمد مصدق به سال ۱۳۴۵ در تبعید و زندان بود. محمد مصدق از ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ نخست وزیر ایران بود و با کودتای آمریکایی بر کنار شد و به تبعید رفت. آن گونه که فرزندش در مقدمه کتاب خاطرات و تالمات دکتر مصدق آورده است، دکتر مصدق مملکت ایران و مادرش را بیش از همه دوست داشت، خوانش زندگی انسان هایی که در روزگاران گذشته بر آینده سر زمین خود تاثیر گذاشته اند برای نسل های بعدی درس های بسیاری دارد، برای نمونه و آن چنان که در مقدمه کتاب نیز آمده است وطن برای مصدق یک اصل بوده است. مثلا در صفحه ۲۰۹ همین کتاب دکتر محمد مصدق می نویسد: اگر اینجانب تصدی نخست وزیری را با کبر سن و ضعف مزاج به عهده گرفتم برای این بود که قانون ملی شدن صنعت نفت را سرانجام دهم، صلاح ندیدم که با وجود جنگ در جبهه خارجی دست به اصلاحات داخلی که موجب تشنجیات بزرگی است بزنم و جنگ در دو جبهه را به ملت ایران تحمیل نمایم. این مطالب نشانگر مشی سیاسی مصدق است و یا رعایت ادب و احترام حتی در برابر دشمنان و مخالفانش که بسیار پند آموز است. برای نمونه باید گفت بزرگترین دشمن و مخالف مصدق، پادشاه بود. همان کسی که او را با کودتای آمریکایی انگلیسی عزل کرد و پس از کودتا در احمد آباد تبعید و به زندان انداخت. مصدق در عموم نوشته هایش با آنکه در زندان و تبعید شاه است از فعل جمع دربار پادشاه استفاده می کند و با آنکه به خاطر پیری، بیماری و تنهایی در تبعید در عسرت و سختی زندگی می گذرانند اما هیچگاه زبان به اسائه ادب باز نمی کند و به کسی کمترین توهین روا نمی دارد، انسانها می روند و تنها نوشته ها و روایاتی از منش های آنها بر جای می ماند. بر ماست که سره از ناسره جدا کنیم و مبتنی بر عقل عرفی از داشته ها و دانسته هایمان بهره ببریم. فراموش نکنیم که پنجاه سال بعد ما نیز نوشته هایی برای دیگران خواهیم بود.



ناکار آمدی مدیران
گلستان را عقب تکه داشته است
« ۸ »



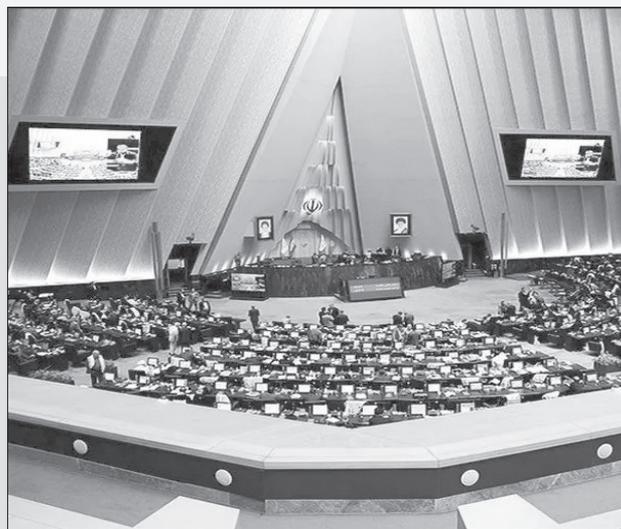
ایمنی
شکوفه سفرهای نوروزی
« ۸ »



تعادل
«یادداشت»
« ۸ »

برای نمایندگان پر تلاش گلستان

خدا قوت!



احکام دایمی از محل ۲ درصد فروش نفت که در قانون سال آینده ۲۴ هزار میلیارد تومان پیش بینی شده است و از مجموع ۱۳۴ هزار میلیارد تومان بودجه فوق سهم استان گلستان فقط ۳۰۵ همت در نظر گرفته شود و از نظر جایگاه سهم محرومیت زدایی در بین استانها در رتبه ۱۵ قرار بگیریم و سهم گلستان از میانگین کشوری یعنی ۳۷ همت هم کمتر باشد و این یعنی ما در بین نیمه پایین یعنی استانهای برخوردار جدول توزیع اعتبارات محرومیت زدایی قرار بگیریم (جدول پیوست) واقعا باید خداقوت گفت به نمایندگان خستگی ناپذیر گلستان در شرایطی که تورم مخصوصا برای دهکهای پایین عددی بالای ۵۰ درصد می باشد رشد کل اعتبارات هزینه ای ۴۱ درصد برای استان محرومی مانند گلستان چه مفهومی دارد؟ جالب است که در اعتبارات محرومیت زدایی سهم استان های همسایه برخوردارمان مانند مازندران و گیلان از سهم استان ما بیشتر بوده است...

ادامه در صفحه ۲

حسینقلی قوانلو- الحمدالله و با کمک نمایندگان استانمان (به جز یکی دوتای آنها) مشکل اقتصاد کشور هم با استیضاح و رای به برکناری وزیر اقتصاد حل شد و انشاءالله که با این اقدام انقلابی دوستان از امروز مشکل تورم کشور حل شده و دلار دوباره به ۲۰ هزار تومان که ادعای سردمداران استیضاح وزیر اقتصاد بود، برگردد. به نمایندگان عزیز مردم استان ضمن خداقوت و خسته نباشید می گویم اگر از کارزار استیضاح خلاص شده اید و اگر از جلسات پی در پی با وزرا و استاندار و معاونین استاندار برای حفظ و نگهداری برخی و تغییر مطابق سلیقه برخی دیگر از مدیران خلاص شدید، فکری هم برای مردم استان محرومان داشته باشید و ببینید در بودجه سال آینده استان چه کمکی می توانید بکنید. استان گلستان در اثر عملکرد بسیار مشعشع مدیران قبلی که حدود ۷۰ درصد مدیران فعلی از آن جمله اند و الحمدالله نیازی هم به تغییر تحت لوی وفاق دیده نمی شود(البته نظر بر تغییر همه مدیران دولت قبل نیست و هستند معدود مدیرانی که میتوانند در این دولت هم باقی باشند) مطابق همه

جناب آقای دکتر جعفر میرکتولی

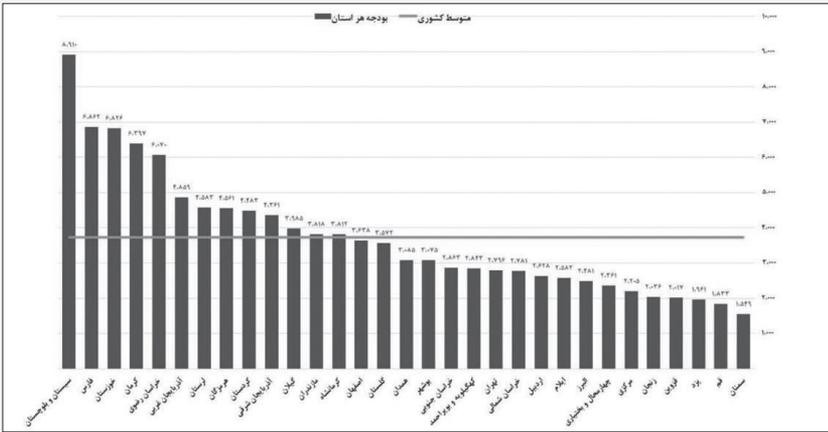
انتصاب بجای شما را بعنوان ریاست دانشگاه جامع گلستان که شایستگی آن را دارید، تبریک عرض می نمایم.

تورج رضایی

ادامه تیر اول

بیشتری از بودجه برای جبران عقب افتادگی خود دریافت کند. برادران عزیز نماینده شهرستانهای محروم ترکمن نشین قبل از اینکه در بالای لیست استیضاح وزیر اقتصاد قرار بگیرید به این عددها توجه کنید. قبل از اینکه برای فرماندار شدن فلان فرد منسوب بانی وضع موجود این همه وقت بگذارید کمی هم در اعداد و ارقام بودجه تحقیق و تفحص کنید تا شاید از دل این تحقیق و تفحص چیزی برای محرومین گمیشان و بندرتکمن و داشلی برون و اینچه برون و... نصیب استان گردد. در شرایطی که امسال بزرگترین مشکل دولت چهاردهم کسری بودجه و تامین حدود ۸۰۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه سال جاری بوده و یکی از مهمترین دلایل رشد نقدینگی و تورم و قیمت دلار همین کسری بودجه بجا مانده از دولت قبل و عدم پیش بینی درست هزینه هایی مانند هزینه گندم خریداری شده از کشاورزان و پرداخت پاداش بازنشستگان و حق الزحمه پرستاران و بدهی های تامین اجتماعی و در نظر گرفتن منابع موهومی و

و حتی در رشد اعتبارات هزینه ای هم میزان رشد اعتبارات هزینه ای مازندران ۴۳ درصد بوده و رشد اعتبارات استان گلستان ۴۱ درصد. در اعتبارات تملک دارایی سال آینده هم میزان رشد کل اعتبارات تملک دارایی استان با رشد ۲۹.۴ درصد از ۱۱۵۰ میلیارد تومان به ۵۳۲۵ میلیارد تومان رسیده است که امسال سهم استان از بودجه ۲۰۴.۳ هزار میلیارد تومانی تملک استانی کل کشور حدود ۲۶.۶ درصد و در حدود همان سهم سال قبل بوده و در رتبه هفدهم در بین استانهای کشور قرار دارد و معلوم نیست کی باید استان ما به دلیل محرومیت، ویژه دیده شود و سهم



را افزایش داد و شوربختانه تمامی آمارها و ارقام نشان می دهد که از این افزایش ها سهمی نصیب استان ما نشده است و تنها در سال بعد به خاطر دخالت مجلس در رشد حجم بودجه، تنها تورم آن نصیب مردم و گلستانی هایی عزیز خواهد شد.

عدم تحقق این منابع بوده است ولی همین مجلس با وجود این شرایط در بررسی لایحه بودجه بدون توجه به مخالفت های دولت حدود ۵۰۰ هزار میلیارد تومان دیگر به لایحه دولت در بخش مصارف اضافه کرد یعنی حدود ۱۰ درصد سقف مصارف و منابع

میگوهای گمیشان؛

قصه شور و شیرین سواحل خزر

با هدف تولید ۱۰۰ میلیون پست لارو برنامه ریزی شده بود، اما پارسال فقط پنج میلیون پست لارو تولید کرد. اینجا هنوز جای کار زیاد دارد. مدیرکل شیلات از مشارکت ۲۵ میلیارد ریالی پرورش دهندگان میگو در گمیشان با دولت خبر داد و این همکاری را نشانه ای از عزم جلی برای توسعه این صنعت دانست. معاون وزیر جهاد کشاورزی و رئیس سازمان شیلات ایران هم در نشست اخیر با پرورش دهندگان میگو در گمیشان، مجتمع پرورش میگوی این منطقه را پروژه ای استراتژیک توصیف کرد که زمین های بایر و شوره زار را به یک فرصت اقتصادی ارزشمند تبدیل کرده است. حمزه رستم پور با اشاره به دستاوردهای این مجتمع اظهار کرد: در سال جاری، تولید سه هزار و ۷۰۰ تن میگو با ایجاد اشتغال مستقیم و غیرمستقیم برای بیش از ۲۵۰۰ نفر محقق شده و ۸۰ درصد این محصول راهی بازارهای صادراتی شده است. رستم پور با تأکید بر حمایت قاطع دولت از این صنعت، از برنامه ریزی برای تکمیل زیرساخت های مجتمع چهار هزار هکتاری پرورش میگو خبر داد و افزود: توسعه این پروژه در اولویت قرار دارد و با جذب سرمایه گذاری، ظرفیت تولید و اشتغالزایی آن افزایش خواهد یافت. وی همچنین از بررسی طرحی بلندپروازانه برای احداث مجتمع ۶ هزار هکتاری پرورش میگو و ماهیان خاویاری سخن گفت و خاطرنشان کرد: این طرح می تواند گامی بزرگ در جهت تقویت اقتصاد منطقه و افزایش صادرات غیرنفتی باشد.



توسعه طرح های آینده، باید از طریق مولدسازی زمین های در اختیار (مربوط به شهرک ۶ هزار هکتاری) اقدام شود، زیرا تأمین اعتبار زیرساخت ها به تنهایی از توان دولت خارج است. مدیرکل شیلات گلستان هم اعلام کرد: مجتمع چهار هزار هکتاری پرورش میگو در گمیشان یکی از پاک ترین سایت های تولید این آبرزی در کشور است و صادرات موفق آن گواهی بر این مدعا است. اسماعیل جباری اظهار کرد: زمین های شور و لم یزرع منطقه مرزی و محروم گمیشان با استفاده هوشمندانه از آب دریای خزر، به یک قطب اقتصادی تبدیل شده که هم اشتغال می آفریند و هم آرزو آوری دارد. جباری تأکید کرد: پایدار تولید در این مجتمع وابسته به تأمین زیرساخت های حیاتی مانند آب و برق است. وی خبر داد: پارچ (شناوری) که برای ترابری اشیای بزرگ یا حجم زیادی از کالا یا مواد بر روی آب به کار می رود) استانداری گلستان در اختیار پرورش دهندگان قرار گرفته تا کانال آبرسان پیش از شروع فصل پرورش میگو در اردیبهشت ماه لایروبی شود و دغدغه تأمین آب به طور موقت برطرف گردد. در حوزه برق هم گامی رو به جلو برداشته شده است. به گفته جباری، تفاهم نامه ای با مشارکت سازمان برنامه و بودجه، شرکت توانیر و جهاد کشاورزی برای برق رسانی به این مجتمع امضا شده و تاکنون چهار لاین آن برق دار شده اند، هرچند مشکل نوسانات برق همچنان پابرجاست و نیاز به چاره اندیشی دارد. وی از پروژه های زیرساختی دیگر هم خبر داد: جاده بین مزارع این مجتمع با هزینه ۶۰ میلیارد ریالی احداث شده و امسال آسفالت آن تکمیل خواهد شد. جباری همچنین به زنجیره تولید میگو در گلستان اشاره کرد و گفت: حمایت از مراکز تکثیر یک اولویت است. در حال حاضر تنها یک مرکز تکثیر در گلستان داریم که

با برق پایدار و هوادهی، تولید ۳۰ درصد بیشتر می شود. مدیرعامل پرورش دهندگان میگوی مجتمع گمیشان هزینه مورد نیاز را یک همت (هزار میلیارد تومان) برآورد می کند، در حالی که سهم توانیر سه هزار میلیارد ریال است.

مسئولین چه می گویند؟

معاون امور عمرانی استانداری گلستان گفت: بخش عمده آبرسانی به مجتمع چهار هزار هکتاری پرورش میگوی گمیشان به دلیل شرایط اقلیمی و پس روی آب خزر از دست دولت خارج است. سیدمهدی مهبیایی اظهار کرد: بر اساس گزارش ها، سطح آب دریای خزر در سال های آینده همچنان رو به کاهش خواهد بود و پیش بینی می شود این سطح سالانه حدود ۲۰ سانتی متر پایین تر بیاید. این موضوع می تواند بر پروژه های پرورش میگو و ماهیان خاویاری در سواحل استان گلستان تأثیرات جدی داشته باشد. معاون امور عمرانی استانداری گلستان افزود: استان گلستان از تمام ظرفیت های دولتی برای تأمین آب پایدار در مجتمع پرورش میگوی گمیشان استفاده کرده است اما مسئولیت این چالش ها بر عهده دولت نیست. وی در مورد وضعیت شهرک ۶ هزار هکتاری پرورش میگو و ماهیان خاویاری در گمیشان پیشنهاد داد که این طرح متوقف شود و اولویت به تأمین زیرساخت های مورد نیاز، به ویژه آبرسانی پایدار، برای مجتمع چهار هزار هکتاری در حال بهره برداری اختصاص یابد. به گفته مهبیایی، برای نخستین بار استانداری گلستان در اختیار پرورش دهندگان میگو در مجتمع گمیشان قرار گرفته تا مشکل لایروبی کانال آبرسان از سواحل خزر به این مجتمع به صورت موقت برطرف شود. وی همچنین افزود: برای پایدار آبرسانی و تأمین برق این مجتمع و حتی

پرورش دهندگان میگوی گمیشان، شهری مرزی و محروم در شمال شرق دریای خزر، سال هاست با کمبود زیرساخت ها و تأخیر در اجرای مصوبه های دولت های گذشته کلنجار می روند اما وقتی مشکلاتشان را با نماینده ویژه رئیس جمهور در توسعه سیاست های دریا محور مطرح کردند و قول پیگیری گرفتند، بارقه های امید در دلشان روشن شد. به گزارش ایرنا، پس روی آب دریای خزر، تأمین آب پایدار، برق ناپایدار و سخت گیری های زیست محیطی، مثل خارهایی در پای مجتمع چهار هزار هکتاری پرورش میگو در گمیشان هستند. این مجتمع که از سال ۱۳۷۸ با یک کانال ۲ کیلومتری کارش را شروع کرد، تنها مرکز پرورش میگو در شمال کشور است و در ۸۰ کیلومتری شمال غرب گرگان قرار دارد. مدیرعامل پرورش دهندگان میگوی مجتمع گمیشان گفت: پس روی خزر و رسوب گذاری شدید، کانال های آبرسان را هر سال مسدود می کند و لایروبی مداوم هم جواب نمی دهد و تا پایان فصل برداشت، دلمان شور آب است. علی قدمی از خشکی تالاب گمیشان در سال ۱۳۹۳ - ۱۳۹۴ یاد کرد که تأمین آب را سخت تر کرد و حالا همه چشم به تأسیسات آبگیر دوخته اند.

از زمین شور تا صادرات جهانی

امسال سه هزار و ۷۰۰ تن میگوی وانامی از ۱۲۰ مزرعه گمیشان برداشت شد که ۸۰ درصد آن راهی بازارهای خارجی شد و ۲ هزار و ۵۰۰ نفر از اهالی منطقه را مشغول به کار کرد. این میگو در ۱۲۰ روز با شوری کم آب و خاک مناسب گمیشان، به وزن ۱۵ گرم می رسد. فصل پرورش از اواخر اردیبهشت با آبگیری استخرها شروع می شود و تا اواخر مهر با برداشت تمام می شود. قدمی ادامه داد: در سال ۱۳۹۷ رئیس جمهور وقت قول ایجاد تأسیسات آبگیر و زیرساخت داد اما فرصت سوزی شد. مرحله اول مجتمع چهار هزار هکتاری معطل تکمیل زیرساخت مانده و نباید سرنوشتش به مرحله دوم مجتمع ۶ هزار هکتاری گره بخورد.

محیط زیست و یک راه حل هوشمند

یکی دیگر از مشکلات، گیرهای محیط زیست است. قدمی گفت: ما تنها سایتی هستیم که حوضچه «لاگون» برای تصفیه پساب داریم و دستگاه پایش آنلاین هم نصب کرده ایم اما باز هم راضی نمی شویم. وی پیشنهاد داد: پساب تصفیه شده به تالاب خشک گمیشان برود تا ۳-۵ هزار هکتار زمین احیا شده و جلوی ریزگردها هم گرفته شود.

برق حلقه گمشده تولید

تأمین برق هم سال هاست بلا تکلیف است. با وجود تفاهم نامه سه جانبه بین توانیر، جهاد کشاورزی و سازمان برنامه ریزی برای پست ۶۳ ولت، هنوز کاری انجام نشده. قدمی افزود: از چهار لاین مجتمع، فقط یک لاین برق ضعیف دارد.

از ستم بر نداری، مستضعفین و ستم‌دیدگان را یاری خواهد نمود که برعلیه تو قیام کنند. گر تو پبیلی، خصم تو از تو رمید نک جزا. طبراً ابابیلت رسید اگر قدرتت بسیار قوی مثل فیل باشد و حتی خصم و دشمنات نیز بخاطر فیل بودند و قدرتمند بودند از تو ترسند و به ظلمت و ستم تمکین کنند و در برابرت قیام نکنند، باز خیال نکن که این وضع همیشه برقرار و ظلم و زورگویی تو ابدی و جاودان و ضعیفان بی یاورند. اگر حرف مرا قبول نداری و مرد هستی و به قدرتت می‌نازی برو؛ سوره فیل را بخوان که پزندگان کوچک چگونه فیل‌های قدرتمند را به زانو در آوردند و آنان را تار و مار کردند و از بین بردند. گر ضعیفی در زمین خواهد امان غُلغُل افتد در سپاه آسمان صدا و ندای مظلوم چنان رسا و سریع است که هرگاه شخصی ناتوان و مظلوم از خدا طلب کمک و یاری نماید، این درخواست، سریع در آسمان منعکس می‌شود و مورد استقبال سپاه فرشتگان آسمانی قرار می‌گیرد و همه سپاه را به تحرک و عکس‌العمل وادار می‌کند و غلغله‌ای در میان فرشتگان جهت یاری مظلوم برپا می‌شود.

ای ظالم که مثل کرم ابریشم بر خودش تار می‌تند، تو این کار را نکن و خودت را گرفتار پپله نکن و حال اگر هم می‌خواهی چاهی از ستم و ظلم برای خودت حفر کنی حداقل عمیق و هولناک و مهیب حفر نکن. اندازه نگهدار و بی محابا به مردم ستم نکن و اصطلاحاً همه پل‌ها را پشت سرت خراب نکن و جلوی ظلم عمیق و مهیب خودت را بگیر. مر ضعیفان را تو بی خصمی مدان از بُنی ذا جَاء نصرالله خوان خیال نکن که هر چقدر ستم و ظلم کنی، افراد ضعیف و مظلوم تسلیم تو هستند و صدایی از آنها در نمی‌آید و حرکتی نمی‌کنند و به ظلم تو راضی‌اند، نه ریسمان ظلم می‌کن از کلفتی پاره می‌شود و تو سعی نکن آنقدر ظلم کنی و بر مردم فشار بیاری و چون مردم هم در ابتدا چیزی نمی‌گویند و اعتراض نمی‌کنند، تصور کنی که همیشه وضع چنین خواهد بود و اعتراضی نمی‌کنند، خیر. آنها هم زمانی اعتراض خواهند کرد که لطف و عنایت حق فرا برسد و مانند آیه ۱ سوره نصر است که فرموده: **آنگاه که یاری و فیروزی خدا در رسد. با یاری و لطف خدا بر علیه ظلم تو قیام خواهند کرد.** بدان که خدا کنار مظلوم ایستاده است و اگر دست

چاه مُظَلِّم گشت ظلم ظالمان این چنین گفتند جمله عالمان ستم ستمکاران، چاهی بس تاریک است و همه خردمندان و عالمان جهان همین نکته را گفته‌اند که نتیجه، تاریکی و سیاهی است و مولوی در بیت ۱۳۰۹ دفتر اول به آن تاکید وافر دارد. و در حدیث نیز آمده است که بترسید از ستم که ستم در روز رستاخیز به صورت تاریکی‌ها تجسم یابد. هر که ظالم تر، چَهَش باهول تر عدل فرموده ست: **بَشْر را بَتَر** بدیهی ست هر کسی ظلم بیشتری کرد و آزارش بیشتر و شدیدتر از بقیه به مردم رسید، عتابش هم بیشتر خواهد شد و جایگاهش نیز در چاه عذاب هولناک تر خواهد بود. آیه ۴۰ سوره شوری نیز به این نکته اشاره دارد که: **و سزای هر بدلی، بدلی است همانند آن.** ای که تو از ظلم، چاهی می‌کنی از برای خویش، دامی می‌کنی ای ظالم، ای ستمگر، ای نادان بدان که تو اگر از روی ظلم و ستم برای دیگران چاهی حفر می‌کنی، یقین بدان این ستم در واقع حلقه‌ی دامی ست که تو برای خودت پهن کرده‌ای و خودت در آن گرفتار می‌شوی. **گِرد خود، چون کِرْمِ پپله بر متن بهر خود، چَه می‌کنی، اندازه کن**

«

ظالم و مظلوم در مثنوی شریف



محمدرضا ایزد

«آگهی‌بُنی»

آگهی تحدید حدود اختصاصی

بدینوسیله اعلام می‌گردد به استناد ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف،تحدید حدود شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۴۴۴۹ مترمربع دارای پلاک ثبتی شماره ۸۸۳- فرعی از۱- اصلی واقع در اراضی قریه صحنه بخش شش حوزه ثبتی آق قلا ملکی آقای حامد سوفی فرزند حاجی رحمن در ساعت ۹:۰۰ صبح روزشنبه مورخه ۱۴۰۴.۰۱.۲۳ به آدرس آق قلا- اراضی کشاورزی قریه صحنه کدپستی ۴۹۱۱۱۱۱۱۱۱ به عمل خواهد آمداز این رو چنانچه مجاوری نسبت به تحدید حدود یا حقوق ارتفاقی حقی بر خود قائل است می‌تواند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود تا(۳۰) سی روز اعتراض خود را کتبا به ذکر شماره پلاک ثبتی به اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا تسلیم نموده و علاوه بر آن طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید.در غیر این‌صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می‌تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. تاریخ انتشار:چهارشنبه۱۴۰۳.۱۲.۱۵

مهناز جهانفر رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلام الف:۵۱۳

آگهی تحدید حدود اختصاصی

بدینوسیله اعلام می‌گردد به استناد ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف،تحدید حدود شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۲۳۵۶۴ مترمربع دارای پلاک ثبتی شماره ۸۸۶- فرعی از۱- اصلی واقع در اراضی قریه صحنه بخش شش حوزه ثبتی آق قلا ملکی آقای حامد سوفی فرزند حاجی رحمن در ساعت ۹:۰۰ صبح روز شنبه مورخه ۱۴۰۴.۰۱.۲۳ به آدرس آق قلا- اراضی کشاورزی قریه صحنه کدپستی ۴۹۱۱۱۱۱۱۱۱۱ به عمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاوری نسبت به تحدید حدود یا حقوق ارتفاقی حقی بر خود قائل است می‌تواند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود تا(۳۰) سی روز اعتراض خود را کتبا به ذکر شماره پلاک ثبتی به اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا تسلیم نموده و علاوه بر آن طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید.در غیر این‌صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می‌تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. تاریخ انتشار:چهارشنبه۱۴۰۳.۱۲.۱۵

مهناز جهانفر رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلام الف:۵۱۷

آگهی تحدید حدود اختصاصی

بدینوسیله اعلام می‌گردد به استناد ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف،تحدید حدود شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۵۲۵۳۳ مترمربع دارای پلاک ثبتی شماره ۸۸۵- فرعی از۱- اصلی واقع در اراضی قریه صحنه بخش شش حوزه ثبتی آق قلا ملکی آقای حامد سوفی فرزند حاجی رحمن در ساعت ۹:۰۰ صبح روزشنبه مورخه ۱۴۰۴.۰۱.۲۳ به آدرس آق قلا- اراضی کشاورزی قریه صحنه کدپستی ۴۹۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ به عمل خواهد آمداز این رو چنانچه مجاوری نسبت به تحدید حدود یا حقوق ارتفاقی حقی بر خود قائل است می‌تواند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود تا(۳۰) سی روز اعتراض خود را کتبا به ذکر شماره پلاک ثبتی به اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا تسلیم نموده و علاوه بر آن طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید.در غیر این‌صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می‌تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. تاریخ انتشار:چهارشنبه۱۴۰۳.۱۲.۱۵

مهناز جهانفر رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلام الف:۵۱۸

آگهی تحدید حدود اختصاصی

بدینوسیله اعلام می‌گردد به استناد ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف،تحدید حدود شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۲۴۶۲۹ مترمربع دارای پلاک ثبتی شماره ۸۸۴- فرعی از۱- اصلی واقع در اراضی قریه صحنه بخش شش حوزه ثبتی آق قلا ملکی آقای حامد سوفی فرزند حاجی رحمن در ساعت ۹:۰۰ صبح روزشنبه مورخه ۱۴۰۴.۰۱.۲۳ به

آدرس آق قلا- اراضی کشاورزی قریه صحنه کدپستی ۴۹۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ به عمل خواهد آمداز این رو چنانچه مجاوری نسبت به تحدید حدود یا حقوق ارتفاقی حقی بر خود قائل است می‌تواند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود تا(۳۰) سی روز اعتراض خود را کتبا به ذکر شماره پلاک ثبتی به اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا تسلیم نموده و علاوه بر آن طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید.در غیر این‌صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می‌تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. تاریخ انتشار:چهارشنبه۱۴۰۳.۱۲.۱۵

مهناز جهانفر رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلام الف:۵۱۹

آگهی تحدید حدود اختصاصی

بدینوسیله اعلام می‌گردد به استناد ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف،تحدید حدود شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۵۹۷۸۰ مترمربع دارای پلاک ثبتی شماره ۸۸۱- فرعی از۱- اصلی واقع در اراضی قریه صحنه بخش شش حوزه ثبتی آق قلا ملکی آقای یونس سوفی فرزند حاجی رحمن در ساعت ۹:۰۰ صبح روزشنبه مورخه ۱۴۰۴.۰۱.۲۳ به آدرس آق قلا- اراضی کشاورزی قریه صحنه کدپستی ۴۹۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ به عمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاوری نسبت به تحدید حدود یا حقوق ارتفاقی حقی بر خود قائل است می‌تواند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود تا(۳۰) سی روز اعتراض خود را کتبا به ذکر شماره پلاک ثبتی به اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا تسلیم نموده و علاوه بر آن طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید.در غیر این‌صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می‌تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. تاریخ انتشار:چهارشنبه۱۴۰۳.۱۲.۱۵

مهناز جهانفر رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلام الف:۵۱۶

آگهی تحدید حدود اختصاصی

بدینوسیله اعلام می‌گردد به استناد ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف،تحدید حدود شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۵۶۷۵۴۹ مترمربع دارای پلاک ثبتی شماره ۸۸۰- فرعی از۱- اصلی واقع در اراضی قریه صحنه بخش شش حوزه ثبتی آق قلا ملکی آقای یونس سوفی فرزند حاجی رحمن در ساعت ۹:۰۰ صبح روزشنبه مورخه ۱۴۰۴.۰۱.۲۳ به آدرس آق قلا- اراضی کشاورزی قریه صحنه کدپستی ۴۹۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ به عمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاوری نسبت به تحدید حدود یا حقوق ارتفاقی حقی بر خود قائل است می‌تواند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود تا(۳۰) سی روز اعتراض خود را کتبا به ذکر شماره پلاک ثبتی به اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا تسلیم نموده و علاوه بر آن طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید.در غیر این‌صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می‌تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. تاریخ انتشار:چهارشنبه۱۴۰۳.۱۲.۱۵

مهناز جهانفر رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلام الف:۵۱۵

آگهی تحدید حدود اختصاصی

بدینوسیله اعلام می‌گردد به استناد ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف،تحدید حدود شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۶۶۲۲۳ مترمربع دارای پلاک ثبتی شماره ۸۷۸- فرعی از۱- اصلی واقع در اراضی قریه صحنه بخش شش حوزه ثبتی آق قلا ملکی آقای یونس سوفی فرزند حاجی رحمن در ساعت ۹:۰۰ صبح روزشنبه مورخه ۱۴۰۴.۰۱.۲۳ به آدرس آق قلا- اراضی کشاورزی قریه صحنه کدپستی ۴۹۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ به عمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاوری نسبت به تحدید حدود یا حقوق ارتفاقی حقی بر خود قائل است می‌تواند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود تا(۳۰) سی روز اعتراض خود را کتبا به ذکر شماره پلاک ثبتی به اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا تسلیم نموده و علاوه بر آن طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی

تقدیم نماید.در غیر این‌صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می‌تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. تاریخ انتشار:چهارشنبه۱۴۰۳.۱۲.۱۵

مهناز جهانفر رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلام الف:۵۱۴

آگهی تحدید حدود اختصاصی

بدینوسیله اعلام می‌گردد به استناد ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف،تحدید حدود شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۶۸۵۲۳ مترمربع دارای پلاک ثبتی شماره ۸۸۲ فرعی از۱- اصلی واقع در اراضی قریه صحنه بخش شش حوزه ثبتی آق قلا ملکی آقای یونس سوفی فرزند حاجی رحمن در ساعت ۹:۰۰ صبح روزشنبه مورخه ۱۴۰۴.۰۱.۲۳ به آدرس آق قلا- اراضی کشاورزی قریه صحنه کدپستی ۴۹۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ به عمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاوری نسبت به تحدید حدود یا حقوق ارتفاقی حقی بر خود قائل است می‌تواند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود تا(۳۰) سی روز اعتراض خود را کتبا به ذکر شماره پلاک ثبتی به اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا تسلیم نموده و علاوه بر آن طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید.در غیر این‌صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می‌تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. تاریخ انتشار:چهارشنبه۱۴۰۳.۱۲.۱۵

مهناز جهانفر رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلام الف:۵۲۰

آگهی تحدید حدود اختصاصی

بدینوسیله اعلام می‌گردد به استناد ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف،تحدید حدود شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۴۰۰.۵۹ مترمربع دارای پلاک ثبتی شماره ۲۵۶ - فرعی از ۳- اصلی واقع در اراضی قریه کسلخه بخش‌احوزه ثبتی آق قلاملکی خانم بی بی فاطمه رجب نژاد فرزند بهرام در ساعت ۰۹:۰۰ صبح روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۴.۰۱.۲۵ به آدرس گرگان- محله شهید مدنی - کوچه ۹۵ل کدپستی ۴۹۳۱۹۶۶۵۷۸ به عمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاوری نسبت به تحدید حدود یا حقوق ارتفاقی حقی بر خود قائل است می‌تواند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود تا(۳۰) سی روز اعتراض خود را کتبا به ذکر شماره پلاک ثبتی به اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا تسلیم نموده و علاوه بر آن طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید.در غیر این‌صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می‌تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. تاریخ انتشار:چهارشنبه ۱۴۰۳.۱۲.۱۵

مهناز جهانفر رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلام الف:۵۲۱

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۲۳۰.۴۵ مترمربع دارای پلاک ثبتی شماره ۱۸۴۰ - فرعی از ۴- اصلی واقع در اراضی قریه یلمه خندان بخش۱۳حوزه ثبتی آق قلاملکی آقای شهرام میرزاعالی فرزند خوجه قلی آقا در ساعت۰۹:۰۰ صبح روز پنجشنبه مورخه ۱۴۰۴.۰۱.۲۱ به آدرس آق قلا- خیابان شهید رجایی-اتحاد۲۰- کدپستی ۴۹۳۱۲۹۳۴۴۵ به عمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاوری نسبت به تحدید حدود یا حقوق ارتفاقی حقی بر خود قائل است می‌تواند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود تا(۳۰) سی روز اعتراض خود را کتبا به ذکر شماره پلاک ثبتی به اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا تسلیم نموده و علاوه بر آن طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید.در غیر این‌صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می‌تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. تاریخ انتشار: چهار شنبه ۱۴۰۳.۱۲.۱۵

مهناز جهانفر رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلام الف:۵۱۰



دورهمی سپندار مزگان

پنجم اسفند روز سپندارمزگان با هم از شاهنامه فردوسی، غزل حافظ و سعدی خواندیم و شنیدیم. ما کودکان و نوجوانان روزنامه گلشن مهر، جشن های ایرانی را گرامی می داریم.

یادداشت دبیر صفحه



آزاده حسینی

هفته گذشته با این جمله شیمبورسکا تمام کردیم: «همه فکر می کنند چیزی برای گفتن دارند. حال آن که حرف با ارزش در یک قرن، شاید بیش از یک یا دو بار پیش نیاید». ما که یک قرن نمی توانیم باشیم ولی می توانیم حرف های قرن گذشته را بخوانیم. این همه شاعر و این همه دوره می های شاعرانه! اگر با این عبارت خانم شیمبورسکا برنده نوبل ادبیات به آنها نگاه کنیم، شاید بسیاری از حرف ها ارزش شنیدن نداشته باشد. اما همانطور که در فوتیبال با همکاری و تصمیم گیری مناسب همه بازیکنان در کنار هم، نهایتاً یک نفر گل می زند؛ در زندگی هم هر حرکت شایسته در راستای هدف، ارزشمند است. شاید حرف ما آن یک حرف ارزشمند قرن نباشد، اما درخت با تمام اجزایش درخت است و هر سال چند میوه به بار می نشیند. کسی برگ های درخت انار را نمی خورد؛ اما همه اینها در کنار هم برای رسیدن انار زنده اند.

شعر ننه سرما



باران شیخ ویسی

اومد دوباره اینجا
فکر می کنید کی؟ ننه سرما
ها کشیدم بازم رو کل دنیا
رو عینکش بخار داره این هوا
عصا به دست اومده
با چارقد گل گلی
با موهای حنایی
با یک دماغ نقلی
مهمون خونه ها شد
دست تو دست یلدا
یه دست دیگه ش هندونه
بفرمایید بفرما

پروین بخوانیم



پروین اعتصامی متولد بیست و پنجم اسفند است و سالگرد فوتش هم پانزدهم فروردین. معمولاً در شلوغی های آخر سال و بعد از نوروز، کمتر فرصت مراسم بزرگداشت برای این شاعر تبریزی پیش می آید. این هفته با هم شعری از ایشان بخوانیم. شما گلشن مهری ها هم در کارگاه های فضای مجازی با ما همراه باشید و مانند همیشه این بار به مطالعه و بررسی شعر پروین بپردازیم. پروین به سبک «مناظره» در شعرهایش معروف است. ظلم ستیزی، عدالت، مقابله با رنج و فقر درونمایه شعر فروغ است. استاد شفيعی کدکنی در کتاب «با چراغ و آینه» پروین اعتصامی را «مستقل ترین شاعر دوره شعر فارسی پس از مشروطیت» می نامد و معتقد است بسیاری از شاعران هم دوره و پس از او، از سبک شعری اش تاثیر گرفته اند. با هم چند بیت از غزل پروین بخوانیم: محتسب مستی به ره دید و گریبانش گرفت مست گفت این پیراهنت است افسار نیست گفت: مستی زان سبب افتان و خیزان می روی گفت: جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست گفت: می باید تو را تا خانه قاضی برم گفت: رو صبح آی! قاضی نیمه شب بیدار نیست

بپیچیم. من هستامه بورده خاش مار خانه. همه چی ره آماده هکاردمه. وقت آش بپتن بویه تش درِست هکاردمی. با خاش فامیلان آنچه بخارندنه، آنچه بورندنه، آنچه پخش هکارندنه، بسلاهمتی مه جان مار بورده و بمونه. چئوشی هکارندنه و گاسفند قربانی کارندنه من مار لنگه پا. شام بپتیمی و درهکاردمی و فامیلا جم بوننه. می جان ماره دره خوش آمد کارندنه. خله خوشحال بیه مه مار که بورده کرپلا و زیارت امام حسین. انشالله همه قسمت بوونه.

به خانه برگشت به مادرش سلام کرد و گفت: «شام چی داریم؟» مادرش با تعجب گفت: «تو خودت هستی؟ باورم نمی شود. تو دیگر بچگانه صحبت نمی کنی». دختر با خوشحالی گفت: «من دیگر بزرگ شدم و نباید بچگانه صحبت کنم، مادر جان دوست دارم».

خیالی



زینب اسدی

آمین جلوی آینه ایستاده بود و خود را در آن می دید که ناگهان ترسید و کمی عقب رفت. آیا خوب می دید و درست می شنید؟! چشمان خود را چند بار باز و بسته کرد. اما اشتباه نکرده بود. آینه دهان باز کرده بود و می خندید. آمین که ترسیده بود، گفت: «تو... تو...! ترس! من آینه هستم. تصویر هر کس را به خودش نشان میدهم، تا خود را مرتب و منظم کند». «اما... اما آینه ها که حرف نمی زنند و نمی خندند! آیا من خواب می بینم؟» - «خنده من از قیافه ی توست!» - «منظورت از نمی فهمم! به خودت نگاه کن! متوجه می شوی! نمی خواهی صورتت را بشوی؟ چرا موهایت پریشان است؟! پیراهنت چقدر نامرتب است؟! چرا یکی از دکمه های آن باز است؟! آمین با تعجب حرف های منظورش مسخره بود. مادرش گفت: «این چه لحن بچگانه ای است؟ تو دیگر بزرگ شدی دخترم لوس بوذنت را کنار بگذار!» دختر خیلی عصبانی رفت به اتاقش و در را محکم کوبید. صبح روز بعد مادرش به او بی محلی می کرد. دختر خیلی ناراحت بود که مادرش با او حرف نمی زند. به مادرش گفت: «مامان جون چلا با من حرف نمیبندی؟! مادرش به او گفت: «بازم داری بچگانه حرف می زنی؟ چرا نمی فهمی که تو دیگر بچه دو ساله نیستی؟! دختر وسایلت را جمع کرد و به مدرسه رفت. بعد از چند ساعت

دختر لوس



مریم علی اکبری

سال ها پیش دختری به نام لیدیا زندگی می کرد. او دوازده سالش بود ولی خیلی لوس بود و بچگانه صحبت می کرد. هرچه گذشت و او بزرگتر میشد ولی همچنان به رفتارش ادامه می داد. روزی لیدیا به مسابقه خوانندگی رفت، ولی به خاطر اینکه از همان اول یاد گرفته بود لوس حرف بزند، آنجا هم بلد نبود چیزی بخواند. بعد همه داورها به او نمره صفر دادند. او با ناراحتی به خانه برگشت. مادرش از او پرسید: «چی شده دختر نامزم؟» او به مادرش گفت: «مامانی همه منو مسگله می کنن». (منظورش مسخره بود). مادرش گفت: «این چه لحن بچگانه ای است؟ تو دیگر بزرگ شدی دخترم لوس بوذنت را کنار بگذار!» دختر خیلی عصبانی رفت به اتاقش و در را محکم کوبید. صبح روز بعد مادرش به او بی محلی می کرد. دختر خیلی ناراحت بود که مادرش با او حرف نمی زند. به مادرش گفت: «مامان جون چلا با من حرف نمیبندی؟! مادرش به او گفت: «بازم داری بچگانه حرف می زنی؟ چرا نمی فهمی که تو دیگر بچه دو ساله نیستی؟! دختر وسایلت را جمع کرد و به مدرسه رفت. بعد از چند ساعت

آش پشت پای مادرزرگ قبل از کرپلا



زینب رحیمی نژاد

یک روز خاش خانه هنیشته بیمه که مه تلفن زنگ بزونه. کی بیه؟ مه جان مار. زنگ بزو که من خان بوم کرپلا ام همسایه زن بموو بئوته که بیه اسم بنویسیم بوریم کرپلا با هیئت زنهای فاطیمه، یک ده، پونزده نفری فعلا هستیمی. خان بوم کرپلا، خله مه دل دره. بیا ام خانه هشه چی به چیه، خاش پیر دره هم خور هاده که بیه خانه، خاش برار دره خاش برارزن دره، خاش عامی زن و عامی دختراره، خاش شی آدماره، هر کس ره که دُندی خور هکان، خان یک لبه آش بپیچم در هکاتم. سه ته بیا هشیم که

می کشید. ظهر امروز این بی نظمی ها را ایجاد کرده بود و قبل از مرتب کردن اتاق به خواب رفته بود. خیلی زود کتاب ها را در قفسه چید. وسایل مدرسه را در کیفش مرتب کرد و آن را در گوشه اتاق قرار داد. کاغذها و تراشه های مداد را جمع کرد. لباس مدرسه اش را از روی صندلی برداشت و در جالباسی آویزان کرد. حالا اتاق تمیز و مرتب شد. دوست نداشت دوباره صدای خنده آینه بلند شود. نگاهی به اطراف کرد. اتاق تقریباً منظم شده بود. جلوی آینه آمد. حالا نظرت چیست آینه جان؟! آینه نگاهی به اطراف کرد و گفت: «آفرین! حالا شدی یک پسر تمیز و منظم! آمین آمین... بلند شو! آمین وقتی بیدار شد فهمید همه چی خواب بود.

لحظه ی حال

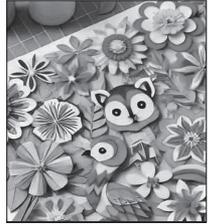


سیده زهرا علوی نژاد

آنجا سر سبز بود و پر از زیبایی چمن بود و گل های رویایی می آمد صدای گذر آب چه کسانی حالا بوذند خواب می آمد صدای آواز قناری هر حیوانی خود می کرد کاری همه در آنجا بودند مشغول به چیزی همه برای زندگی خود داشتند برنامه ریزی حیوانات لذت می بردند از زندگی خود لذت می بردند از سرسبزی و گل ها و درخت ها و صدای رود آنها قدردان بودند و لذت می بردند از همه چیز دقت می کردند به چیزهای بزرگ و کوچک و ریز اما انسان ها چه؟ انسان ها چه داشتند؟ دائم به این فکر می کردند که هیچ نداشتند؟ تفاوت آن حیوانات با بعضی انسان ها بود در این انسان ها فکر نمی کردند به لحظه آخرین

بعضی انسان ها فقط می گفتند ندارم و نمی شود و نیست فکر می کردند فقط با آینده نگرانی خالی می شود زیست اما چه زمانی می خواستند باشند در لحظه حال؟ تمام فکرشان فقط بود جمع آوری مال انسان چه زمانی در لحظه زندگی خواهد کرد؟ چه زمانی می خواهد نگرانی های بیهوده را کند طرد؟ برنامه ریزی برای آینده درست است اما نه به قیمت از دست دادن حال در آن صورت حتی برای خود انسان نمی ماند هیچ حال و احوال انسان باید ببندد چه دارد و ندارد سپس کند کوشش جوری که حداقل بتواند داشته باشد آرامش.

زیبایی چیست و زیبای واقعی کیست؟



دینا قربانی

از نظر من زیبایی در باطن انسان هاست نه فقط در ظاهرشان. نظر هر فردی در مورد زیبایی فرق دارد. مثلا یکی حتی کوچکترین چیز را زیبایی می داند یا فردی زیبایی ظاهر را قبول دارد یا اتفاق های بزرگ و قشنگ را زیبایی می داند. زیبایی یعنی دور هم جمع شدن و وقت گذراندن با خانواده. زیبایی یعنی دیدن خندیدن و خوشحالی، کسی که دوستش داری. زیبایی یعنی رفتار و اخلاق خوب هر فردی که به دل بنشیند. زیبایی یعنی فردی که در حال نیایش با خدایی است که این همه نعمت داده است. زیبایی یعنی محبت مادر به فرزندش. زیبایی یعنی راه رفتن زیر باران و بوی خاک. یا میتوان گفت زیبایی یعنی پرندگی ای که دنبال غذا برای جوجه اش است. خلاصه اینکه زیبایی های قشنگی وجود دارد. چگونه ثروت و مادیات و یا داشتن خانه بزرگ و پول زیاد را زیبایی و خوشبختی می بینند. اینکه آرامش و خنده به لب داشته باشی زیبایی بزرگی است. و زیبای واقعی کسی است که این دنیا را خیلی قشنگ نقاشی کرده است؛ طبیعت، پرندگان، ماهیان و انسان ها. وقتی خدایی که با خلایق و سلیقه این همه زیبایی ها را آفرید، قطعا خدا زیبای واقعی است. از نظر شما زیبای واقعی کیست؟!

باران یعنی تحرک



سیده فاطیما عقیلی

قدم هایی از جنس شور و اشتیاق بر سنگ فرش های سرد روی زمین می کارم. بزم هم برگ دیگری از روی درخت چنار استوار با ریتم خاصی از شاخه جدا می شود. چقدر خوب است، کنار درب منزل درخت چنار کهنسالی یافته شود. خانه شاعرانه! با عطر و بوی شعر و هنر. بوم نقاشی ام را بررسی می کنم. با این هوای سرد پاییزی کمتر به حیاط می آیم. باید فکری برای این نقاشی نصف و نیمه کنم. کلید را درون قفل می چرخانم. از شب قبل، هنوز کتاب های شعر جدیدی که خریده بودم روی فرش گرم و نرم گویی آرام گرفته بودند. دستی رویشان می کشم و آنها را جمع می کنم. از تلخی قهوه، می آموختم درک شادی را. در انتظار جرعه ای قهوه، به افکار خود فرصت می دهم تا خودنمایی کنند. «امروز که در پارک قدم میزدم و پیاده روی می کردم. چند کودک را تماشا کردم که بی دلیل شاد بودند.»

لبخندی به سراغ چهره غرق در ایده ام می آید. قهوه ام را درون لیوان مورد علاقه ام می ریزم. کنار پنجره می نشینم که نمایی از باران پاییزی داشت. خوب است آن پالتو پشمی را پوشیده بودم، و اگر نه در این سرما مورد انجماد قرار می گرفتم. حال هم با تعویض آن لباس ها، یک پلیور بافتنی چهارخانه همراه با شلوار مشکی هم رنگش پوشیده بودم. اگر کمی سردتر بود، مطمئنا کلاه هم می گذاشتم. باران را همیشه نمادی از تحرک می دانم و بر نظرم پایبند هستم. باران همواره در ژرفای وجودم فریاد دگرگونی، تحول و تحرک را می دهد. و من به زیبایی قطرات آرامش بخش آن می نشینم با همراهی، جرعه ای قهوه.

مادر



سحر حسن زاده نوری

روشنایی شب های تاریکی ام تویی هر لحظه و هر جا امید زندگی ام تویی دلیل نفس کشیدن و زندگی ام تویی بهترین نعمت زندگی ام تویی مهر و محبت در تمام وجود خانه کرده است تصور به نبودنت مرا دیوانه کرده است زیباترین فرشته زمینی زندگی من مادر تو بهترین هدیه خدایی برای زندگی من



سوغند خبلی

چه قدر در چشم پدر زیبای بی حد شده ای اینجای واقعه بیشتر شبه محمد شده ای شاگرد مکتب ادب و رزم عمو عباسی دلیل خواندن قل هو الله احد شده ای گفته ای تشنه ای، اما نشان شهامت داری چه کرده اند با تو که جزئی از کربلای بیداری اربا اربایی و هر جایی از خاک تو را می بیند علی اکبر رعنا پدر بودی و اصغر بی انکاری در غمت این بار لیلانست که مجنون شده است تو جان جهانی و جهان از غم تو خون شده است اذان گوی حرم بودی و آیه آیه از تو ما می خوانیم جوانی و اولین شهید، حرم از تو مفتون شده است

آسمان



نازنین زهرا چیت بند

ابرها تند تند می گذشتند و باد آنها را به مقصدی بی پایان هدایت می کرد. خورشید در حال غروب بود، غروب دل انگیز و زیبا. آسمان بی انتها به رنگ

نارنجی در آمده بود و پرندگان با آزادی در حال پرواز بودند. آنقدر غرق در دیدن آسمان بودم که زمان و مکان را فراموش کردم. به خود که آدمم شب شده بود و دوباره غرق در تماشای آسمان بی انتها شدم. آنچنان مرا غرق خود کرده بود که گویی دریایی باشد و من غواصی که در آن شنا میکنم. از کودکی عاشق این بودم که زمانی به فضا سفر کنم و از آن بالا به زمین خیره شوم و از نزدیک ستارگان را تماشا کنم. مادرم همیشه می گوید: من مانند ستاره ای هستم که منتظر است روز تمام شود و در آسمان شب با بی پروایی به درخشیدن بپردازم. و این رویای کودکانه قرار است فردا به واقعیت تبدیل شود سفر به فضا. بالاخره قرار است روز تمام شود و ستاره به درخشیدن بپردازد. آن هم با شادی و در آسمان بی انتها در کنار دیگر ستارگان. همین قدر زیبا و آزادانه.

آرزوی باور نکردنی



نازنین زهرا خانقلی

سلام اسم من کلودین هست. من صد و هفده سالمه. تنها آرزویی که تو بچگی تا الان داشتیم این بود که دنیای انسان ها رو ببینم. یک روز که وقتی پنجره خونه مون باز بود از مامانم خواهش کردم تا دنیای بیرون رو ببینم و اون هم گفت موقعی که صدو بیست و یک ساله شلی، میتونی دنیای بیرون رو ببینی من هم صبر کردم تا صد و بیست و یک سالم بشه... نیمه شب. بالاخره وقتشه. نمی تونم وصف کنم چقدر خوشحالم مادرم. وارد اتاق شد خیلی جلی بهش گفتم مامان من وقتی صدو یازده سالم بود بهم گفتم میرم بیرون حالا باید بلاری برم بیرون و دنیای آدم ها رو ببینم. مادرم هم قبول کرد ولی من بعد کلی کلنجار با مادرم فهمیدم که رضایت داده بود. برای همین چمدونم رو بستم و پرواز کردم. قبل از اینکه پرواز کنم مادرم گفت خفاش کوچولو به کجا چنین شتابان؟ گفتم می خوام برم دنبال آرزوهای مادرم بهم گفت که خیلی مراقب باشم و هر موقع که خواستم میتونم برگردم خونه رفتم البته میدونستم که باید از این چیزها فرار کنم. مثلا یک چیز چوبی، دو تا سیر و سه تا سیر و مخصوصا آفتاب! داشت صبح میشد برای همین توی انبار یکی از انسان ها قايم شدم خوشبختانه اون ها داشتند می رفتند ولی یکی بچه ها خونه موند. خیلی دوست داشتم باهاش ارتباط برقرار کنم برای همین اول به پیام فرستادم نوشته ی پیام: «سلام انسان عزیز! من یک خون آشام هستم البته نه از اون بلدها مثلا من خون تو رو نمی خورم و اذیت نمیکنم خیلی دوست دارم پیشت بمونم آگه نمی ترسی بیا به انبار! خدا نگهدار!» اون پیام رو دید و اومد. اوه باورم نمیشه اون به روح هست. به نصف هیولا! به سمتش رفتم و سلام کردم. اون از هیجان تبدیل به روح شد و از ماشین اسباب بازی برداشش رد شد. سلام کردم من هم رفتم سمتش و خیلی خوشحال بودم که به هیولای نیمه تو دنیای انسان ها رفت من اون رو به هتل خودمان دعوت کردم و اون هم قبول کرد. شاید باورتون نشه و کلا تو اون شهر نیمه هیولاها زندگی میکردند. من بعد از صد و بیست و یک سال زندگی بالاخره موفق شدم دوستی برای خود داشته باشم.

تمرین کلاسی با حرف ر، مثل رنده



آرژیکا روفائی

پنج صبح است و راکن ها مدرسه دارند. رنگ رنگ زن به صدا درآمد. باز هم مدرسه ی زنده دیر شد. می دونم که اسم خوبی نیست ولی راکن ها هر زباله ای که پیدا می کنند، اسمش را روی بچه های خود می گذارند فکر می کنند که خوش شانسی می آورد. زنده روسری راه راهش را که از رنگ های روشن استفاده شده بود، از کمد لباس ها برداشت و سر کرد و به راه افتاد. او حتی یادش رفت که لباس راحتی خود را عوض کند. او از همه سختی ها گذشت از رودخانه، از میمون های رقااص که مثل ربات می رقصیدند، گذشت و بالاخره رسید به مدرسه. وقتی سر کلاس نشست یادش آمد که سرویس بهداشتی نرفته و بدو بدو به سمت سرویس بهداشتی راه افتاد. وقتی به آنجا رسید اولین برچسب که روی در چسبیده عکس یک ربات مرد است و دومین عکس، عکس ربات خانم او نمی دانست که باید کدام را برود چون او دومین جلسه اش بود. همینجوری به زندوم یکی را انتخاب کرد و خوشبختانه انتخاب درستی کرده بود. نمی شد چون زندومی انتخاب کرده بود. وقتی خواست به بیرون دستشویی برود در قفل شده بود و نمی توانست برود بیرون یک دفعه یادش اومد که پدر بزرگش روش باز کردن در با گیره مو را به او یاد داده بود. از آن روش استفاده کرد و به راحتی در باز شد. بدو بدو رفت و دوباره سر کلاس نشست وقتی که داشت کتاب هایش را در می آورد متوجه شد که معلمش به طور مشکوک به او نگاه می کند. آنجا بود که فهمید لباس راحتی اش را در نیاورده. و این بود که معلم او را از مدرسه اخراج کرد. دلش هم که واضح است و نیازی برای توضیح نیست. و تصمیم گرفت که به جای رفتن به مدرسه برود پیش میمون های رقااص و رقص های رباتی یاد بگیرد.

تمرین کلاسی با حرف «د»



سامیناسلطانی

دندان داشتم درد میکرد. دندان پزشک او را دید و دارویی به او داد. داشتم دارو را از داروخانه گرفت و استفاده کرد. کم کم دندانش درست شد و دیگر درد نگرفت.

تمرین کلاسی با حرف «د»

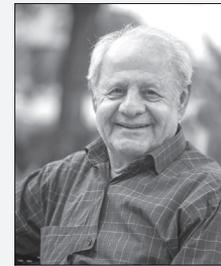


ویانا روح افزایی

تصمیم داشتم دندونمو درست کنم که در مطب دیدم، دندانپزشک همان داوود داوودی روستای دنگلان است! از ترس اون گفتم دندونم درد نمی کنه و فرار کردم. دویدم و دویدم که یک بچه دایناسور دیدم. از ترس اون تندتر دویدم. فکر می کردم منو ببینه با دندون هاش ریزم کنه ولی اون هم از داوود داوودی می ترسید! داشتیم می دویدیم که یک دندون دیدم، برام عجیب بود که دندون ها هم می دونند؟ اون هم گفت که از داوود داوودی می ترسه! هه، داوود داوودی اینقدر ترسناک بود که دایناسور هم ازش می ترسید دیگه من که سهلم!



تعداد



مهدی سیف حسینی

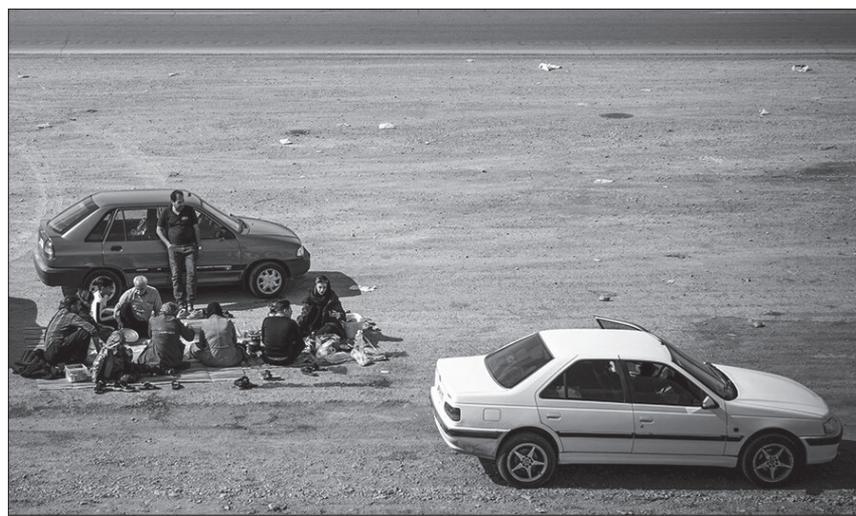
شنیده اید که گفته اند آدمی نمی تواند پیوسته در یک حال دائمی و یکنواخت باشد. این به معنای حالی به حالی بودن یا متلون بودن نیست، این در سرشت آدمی

است که براساس وضعیت شرایط زمانی و مکانی تغییر می کند و اگر این تغییر صورت نگیرد، احتمالاً رجوع به مشاور برای حل مشکل یکنواخت بودن این حال مناسب است. مثلاً وجود غم و افسردگی دائمی و تمامی اوقات در خود فرو رفتن و بی اعتنا و بی تفاوت نسبت به دنیای پیرامون و محیط بودن، دردی است که باید درمان شود و به همین میزان شادی همیشگی و مفرط نیز نمی تواند امری همیشگی باشد و انسان توان کشتش پیوستگی این بظاهر خوشی را ندارد. حتی هنگامی که در جمع دوستانی که با انواع و اقسام خوردنیها و نوشیدنی های شادی آور سرخوشی می کنند، این حال نیز زمانی محدود را می طلبد. شنیده اید که اکثر اوقات می گویند کمترین ها و آنهایی که مجلس آرائی می کنند (می گویند و می خنداند) در خلوت خود انسان هائی افسرده و غمگین هستند؟ به همین لحاظ باید اشاره کرد که این رفتار فرمی از واکنش های درونی انسان است که خوشی و شادی را به وقت خود و غم و اندوه را در زمان خود ابراز می کند و می طلبد. شما حتی در روزهای متممادی زندگی توجه به طلوع و غروب کرده اید و حتما متوجه شده اید که چقدر فرق است بین طلوع و غروب در بامدادان که آغاز روز است. زنگ حرکت به صدا در می آید. تحرک و تلاش از همان درون بستر خواب آغاز می شود. ناگهان بلند می شوی، سریع کارهای شخصی ساعات اولیه روز را انجام می دهی و به سرعت به دنبال برنامه

های روزانه می روی، کار می کنی، خلاقیت به خرج می دهی، بر روی مسائل مختلف زندگی تمرکز می کنی، فکر می کنی و عمل می کنی. دائم در حال تلاش و فعالیت هستی. مجال این را نداری که به خودت فرصت بلدی گاهی به دستشویی بروی. چون فکر می کنی که از زمان اجراء کار عقب می مانی. به کارهای مالی، پولی، تولید، در بخش کشاورزی به دانه افشانی، هرس کردن درختان، به تولید ماشین آلات مختلف و چه و چه می پردازی و دائم در حال تلاش و فعالیت هستی. مرتب حرکت، حرکت مثل انسان عصر جدید در فیلم چارلی چاپلین، حتی دو بخش روزانه مجال تفکر و اندیشیدن به خود و خانواده و تهیه ارزاق را نداری. این از خصلت آغاز است. در ذات شروع است که حرکت را تشویق می کند. روز عقلانیت است و شب احساس. اما هنگامی که روز به پایان می رسد، گوئی تازه احساس می کنی که بدنی خسته داری که نیاز به آرامش دارد. در گوشه اتاق خانه ات می نشینی و از دور به چشم انداز بیرون می نگری و می بینی که خورشید در حال غروب است. که این گوی آتشین سرخ که بامدادان با آن شتاب حضور خود را اعلام کرد، حالا آرام، آرام با یک زیبایی شوکه مند با همان سرخی، خود را در پس کوه ها و تپه ها کم می کند و تو هنگامی که استکانی چای می نوشی به این چشم انداز با شکوه می نگری و در خود می روی. در خود فرو می روی و می اندیشی در خلوت خود و با خود

می گویی چه روز پرکار و پرهیجانی بود و در ذهن مشغول جمع بندی هستی. به تلاش روزانه ات و میزان کارائی ها و ناکامی هایت می پردازی و گویی در این سکوت اگر کسی به خلوت تو ورود کند، دلخور می شوی. زیرا می خواهی در خلوت و با خودت باشی. به ذهنت آرامش بلدی. رفع خستگی کنی و شاید خود را آماده کنی برای تلاش روزی دیگر. لذا غروب زمان در خود رفتن، با خود بودن، جمع بندی کردن و لذت بردن از آن لحظات است. لحظاتی که می تواند خلاقیت های هنری بیافریند. غروب و شب، لحظات باشکوه با احساس زیستن است. دوستی می گفت در کنار دریا به غروب می سرخی آن گوی آتشین که در حال رفتن بود می نگریم و به یاد دلداه ای که دوستش داشتیم بودم که ناگاه دیدم او در مقابل ظاهر شد. به خود شک کردم. این خیال است یا واقعیت. اینکه من می اندیشیدم در ذهن من هست یا جسمی واقعی است و اینگونه است که در غروب خیال و رویا و واقعیت آمیزه ای سهیم می شوند تا یک شکل مطلوب را بسازند. یک هارمونی هماهنگ از شور عشق و احساس و آرامش به عکس طلوع که در فیلم ارفه سیاه هنگامی که آن قهرمان اساطیری هر بامدادان با ساز خود در ارتفاع کوه آنقدر می نواخت تا گوی سرخ خورشید را ببیند. اما هنگامی که روزی از فراز کوه در دل زنبق ها سقوط کرد، دو کودک ساز ارفه را برداشتند و به شتاب هنگام بامدادان برای طلوع خورشید بر فراز کوه نواختن آغاز کردند.

ایمنی شکوفه سفرهای نوروزی



جاده های ایران با نزدیک شدن به تعطیلات نوروز و شکوفایی طبیعت، بار دیگر میزبان میلیون ها مسافری می شوند که برای دیدن و بازدید و تجربه لحظات شاد کنار خانواده راهی سفر می شوند اما در این میان، سایه سنگین سوانح رانندگی به عنوان مهمانی ناخوانده، هرساله کام بسیاری را تلخ می کند. به گزارش ایرنا، افزایش آمد و شد در جاده ها با رشد آمار تصادفات همراه است؛ حوادثی که گرچه گاهی تقصیر آن به گردن جاده های ناهموار یا خودروهای غیراستاندارد می افتد اما واقعیت اینجاست که بخش بزرگی از این فاجعه ها به رفتار خودمان پشت فرمان بستگی دارد. کافی است لحظه ای غفلت کنی؛ سرعت زیاد، حواس پرتی با موسیقی بلند، بی توجهی به علائم راهنمایی یا پاسخ به یک پیامک ساده می تواند یک روز شاد را به کابوسی فراموش نشدنی تبدیل کند. بسیاری از ما شانس زنده ماندن از یک ترمز ناگهانی را نداریم و در چشم به هم زدن، تیتراژ رسانه ها از «تصادف مرگبار» خبر می دهند. هلف از این یادآوری نه ترساندن، بلکه آگاه کردن است؛ آگاهی از عواقب تلخ تصادف می تواند ما را به رعایت قوانین و احتیاط بیشتر ترغیب کند. امسال در آستانه نوروز، وزارت بهداشت با راه اندازی پویش «نه به تصادف» پیشگام کاهش سوانح جاده های شده است؛ حرکتی که با حمایت رئیس جمهور، همراه شده. دکتر پزشکیان، خواستار تشدید اقدامات پیشگیرانه، تشویق رانندگان قانون مدار و افزایش جریمه برای رانندگان پرخطر شده تا جاده ها در نوروز امن تر شوند. این پویش نه فقط یک شعار، بلکه دعوتی است به تغییر رفتار برای نجات جانها.

گلستان مقصد نوروزی با چالشی به نام تصادف

استان گلستان، به عنوان مقصدی محبوب برای گردشگران

۷۰ درصد تصادفات نتیجه اشتباهات انسانی

دکتر محمدرضا هنرور، رئیس مرکز بهداشت گلستان هم با دعوت از مردم برای پیوستن به پویش «نه به تصادف»، اعلام کرد: ۷۰ درصد تصادفات به دلیل خطاهای انسانی مثل سرعت غیرمجاز، عدم رعایت فاصله و بی توجهی به جلو رخ می دهد. وی تصادفات را سومین عامل مرگ در ایران دانست و جوانان را آسیب پذیرترین گروه سنی معرفی کرد.

تصادف فاجعه ای فراتر از یک حادثه

هر تصادف فقط یک آمار نیست؛ زخمی عمیق بر پیکر فرد، خانواده و جامعه است. از قطع عضو و معلولیت تا هزینه های هنگفت درمان و کاهش بهره وری، بار این حوادث تا سالها باقی می ماند. سال گذشته ۳۳ هزار نفر در تصادفات جاده های کشور جان باختند و ۸۰ تا ۱۰۰ هزار نفر معلول شدند. در نوروز ۱۴۰۳ نیز هزار و ۱۰۰ نفر، که اغلب جوان بودن قربانی جاده ها شدند.

جاده های امن تر از ایمن سازی تا روشنایی

در گلستان، از ۹۵ نقطه پرتصادف، ۸۷ نقطه ایمن سازی شده و پروژه های روشنایی جاده ها در حال اجراست تا نوروز امسال، مسافران تجربه ای ایمن تر داشته باشند. اما این تلاش ها بدون همراهی شهروندان بی فایده است. رانندگی با سرعت مطمئن و پیوستن به پویش «نه به تصادف» می تواند نوروزی خاطره انگیز و بی دردسر را برای همه رقم بزند. انتخاب با شماست: جاده ای امن یا فاجعه ای تلخ؟

موتورسواران و بی قانونی باشنه آشیل گلستان

رئیس دانشگاه علوم پزشکی گلستان، با اشاره به کاهش ۳۰ ساله مرگ و میر ترافیکی در این استان، تأکید کرد که آمار همچنان از میانگین کشوری بالاتر است. موتورسیکلت سواران و بی توجهی به قوانین، اصلی ترین دلایل این وضعیت هستند. دکتر محسن ابراهیمی از مرگ ۵۰۴ جوان ۱۵ تا ۱۹ ساله در تصادفات خبر داد و گالیکش و علی آبادکتول را پرخطرترین مناطق اعلام کرد. امسال آمار تصادفات در گلستان صعودی بوده و از ۱۹ هزار و ۸۱۴ فقره در سال گذشته به بیش از ۲۰ هزار رسیده است.

و مسیر عبوری زائران حرم رضوی، هرسال در نوروز شاهد افزایش تصادفات است. با این حال، نوروز پارسال با تلاش پلیس، ایمن سازی جاده ها و همکاری مردم، آمار فوتی های سوانح جاده ای ۶۳ درصد کاهش یافت و از ۲۹ نفر به ۱۲ نفر رسید. اما هنوز هم مرگ حتی یک نفر زیاد است. بنا به گفته رئیس دانشگاه علوم پزشکی گلستان، حوادث ترافیکی همچنان اصلی ترین عامل مرگ در این استان هستند و جوانان ۱۵ تا ۱۹ ساله، به ویژه پسران، بیشترین قربانیان را تشکیل می دهند.



بی امان، روشننگری وظیفه ماست. باید خدمات دولت را با افتخار برای مردم بازگو کنیم. طهماسبی این را نه فقط یک حرف، بلکه یک مأموریت جمعی برای همه گلستانی ها خواند. وی اقتصاد را میدان اصلی نبرد معرفی کرد و گفت: هر هفته با سرمایه گذاران می نشینیم تا توسعه را به گلستان بیاوریم. این عزم، نشان دهنده تلاش شبانه روزی برای تبدیل ظرفیت های خاموش گلستان به موتور محرکه پیشرفت است.

استاندار گلستان، در دیدار با اعضای شورای مرکزی حزب اتحاد ملت شعبه گلستان اعلام کرد: این استان فقیر نیست، اما ناکارآمدی برخی مدیران، آن را از پیشرفت باز داشته است. به گزارش ایرنا، علی اصغر طهماسبی در این دیدار با تأکید بر تعامل گسترده، گفت: نگاه ما به احزاب، نخبگان و همه اقشار باز است. وی دشمن را در کمین عرصه اجتماعی و رسانه ای دانست و افزود: در این جنگ

ناکارآمدی مدیران گلستان را عقب نگه داشته است